

خطبه های نماز جمعه مورخه ۱۳۹۶/۰۱/۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبا و حبيب اله العالمين الذي سمي في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم ونفسي بتقوى الله و اتباع امره و نهى خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

مرحله اول عملی مزین شدن به اخلاق حسنه تخليه است. برای توضیح این مرحله ذکر چند نکته لازم است:

نکته اول این است که خدای متعال انسان را برای سعادت و رستگاری در عالم آخرت آفرید و راه سعادت را عبودیت قرار داد و فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ که اگر انسان راه عبودیت را طی کند در این دنیا به خلافت الهی دست پیدا می کند و رنگ الهی به خود می گیرد و کارهای خدائی انجام می دهد و در عالم آخرت نیز به مقام شهادت و رضوان الهی نائل می شود بنابراین خدای متعال انسان را خلیفه خلق نکرد بلکه آفرید که با عبودیت به خلافت الهی دست پیدا کند و باطن همین خلافت در آخرت، بهشت برین بلکه رضوان الهی است.

نکته دوم این است که گرچه خدای متعال انسان را برای سعادت آفرید ولی او را در پیمودن راه سعادت آزاد گذاشت و به همین دلیل هر دو راه سعادت و شقاوت و تبعات آن دو را بیان کرد و انسان در انتخاب یکی از آن دو آزاد گذاشت. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۲

نکته سوم این است که راه سعادت و شقاوت هر دو از دو بخش نظری و عملی تشکیل شده است. بخش نظری راه سعادت از حیث اعتقاد همان باورها و اعتقادات دینی به اصول دین است. و از حیث اخلاق همان اخلاق نظری و شناخت اخلاق حسنه از اخلاق سیئه است. و بخش عملی نیز عمل به تکالیف شرعی و رعایت عملی اخلاق است.

نکته چهارم این است که اخلاق عملی که پس از تعهد بر مشارطه و مراقبه و محاسبه است، چهار مرحله دارد. تخلیه، تجلیه، تحلیه و فنا فی الله.

مراد از تخلیه این است که انسان، اخلاق فاسد و رذیله‌ی موجود در خود را بشناسد و در پاک نمدن خود از آن مفاصل اقدام نماید. تکبر، خودخواهی، عجب، حسادت، کینه، حقد، طمع، بخل، حرص، ترس، غضب، ریا و مانند آنها از بیماریهای اخلاقی است که بدون معالجه‌ی اینها هیچ عمل صالحی کارساز نمی شود.

پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»^۳ از رشک و حسد بر حذر باشید که حسد حسنات انسان را می خورد همانگونه که آتش هیزم را می خورد و خاکستر می کند. «باز روزی در جمع اصحاب فرمودند؛ هر کس "سبحان الله" بگوید، خداوند به سبب آن برایش در بهشت درختی غرس می کند. هر کس "الحمد لله" بگوید خداوند به سبب آن برایش در بهشت درختی غرس می کند».

۱. ذاریات (۵۱): ۵۶

۲. انسان (۷۶): ۳

۳. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۵۵

سپس فرمود: هر کس لا اله الا الله بگوید، خداوند به سبب آن بپایش درختی غرس می کند. سپس فرمود؛ هر کس الله اکبر بگوید، خداوند به سبب آن برایش در بهشت درختی غرس می کند. در این هنگام مردی از قریش گفت؛ ای رسول خدا، برای ما در بهشت درختان زیادی وجود دارد، پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود؛ آری البته اگر آتشی نفرستید و آن درخت ها را نسوزانید.^۴

بنابراین قدم اول برای تخلیه، شناخت مفاسد اخلاقی و سپس تلاش برای زدودن آنهاست. گاهی این بیماریهای اخلاقی آنقدر مخفی و مزمین است که تشخیص آن حتی برای انسانهای تیز بین نیز مشکل است. به همین دلیل علمای اخلاق هم برای پی بردن به وجود این بیماریها در انسان نشانه های ذکر کرده اند و هم برای معالجهی آنها راههای را بیان کرده اند.

قرآن از این مقام به عنوان تذکیه نفس تعبیر آورده و رستگاری و فلاح انسان را در گروه این تذکیه قرار داده است و پس از نه قسم فرموده است که «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۵

خود سازی که قدم اولش تخلیه نفس از آلودگیهای اخلاقی است بسیار سخت است که پیامبر مکرم اسلام (ص) از آن به جهاد اکبر تعبیر کرده است. مبارزه با آلودگیهای اخلاقی کار هر کس نیست بلکه گاو نر می خواهد مرد کهن.

به همین دلیل، بسیاری از انسانها در همان قدم اول صحنه را ترک می کنند و تا آخر عمر با همان آلودگیها می سازند و می سوزند و سرنوشتشان نیز در آخرت بسیار مبهم و تاریک است.

البته هرچقدر انسان زودتر شروع کند، کار آسانتر است ولی هرچه بیشتر از عمر اسنان بگذرد این بیماریهای اخلاقی بیشتر در درون انسان ریشه می دواند و مبارزه با آن بیشتر سخت می شود.

تخلیه تدریجی و تخلیه دفعی

تخلیه گاهی به تدریج انجام می گیرد؛ یعنی سالکین راه حقیقت به مرور زمان و در طول مدتی کم یا زیاد، یکایک صفات زشت و رذایل اخلاق را از صحیفه نفس خود پاک سازی می کنند. ولی گاهی تخلیه دفعی صورت می گیرد. در تاریخ برای هر یک از ای « دو تخلیه مصادیق فراوانی ذکر شده است.

کیفیت بازگشت بشر حافی

چنان که نوشته اند، بشر حافی فردی متمکن و مرفه بود. املاک و غلامان و کنیزان بسیاری داشت. اکثر اوقات خود را با تفریح و خوش گذرانی سپری می کرد.

روزی امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر (ع) از کنار منزل او می گذشت. ساز و آواز درون خانه بشر به گوش حضرت رسید. از کنیزکی که دم در منزل ایستاده بود، پرسیدند: این منزل از آن کیست؟ پاسخ دادند: از آن مولایم بشر. پرسیدند: او بنده است یا آزاد؟ کنیزک گفت: بنده نیست، بلکه صاحب بندگن فراوان است. حضرت فرمود: آری اگر بنده بود، این اندازه بی بندوبار نبود. بنده باید بسته به حق باشد، نه رسته از حق. بنده باید گوشش به پیام معبود باز باشد، نه به نوای ساز و آواز. این بفرمود و بفرت. کنیزک به درون خانه شتافت و جریان را با بشر در میان گذاشت. بشر از شنیدن این سخنان به خود پیچید و بلرزید و از پی حضرت روان شد، تا به حضرت رسید و توبه نصح نمود و دیگر دامنش را به گناه نیالود. به همین جهت، تا آخریش لحظات عمر خود کفش نپوشید. از این رو، به بشر حافی - یعنی پای برهنه - ملقب شد.

این گونه بازگشت، همان تخلیه دفعی است که بشر حافی توفیق آن را یافت و در عرصه تهذیب نفس موفق و پیروز شد.

^۴. ثواب الاعمال ص ۳۲

^۵. شمس (۶۱۹: ۹-۱۰)

علی بن حمزه که از اصحاب امام صادق (ع) بود، می گوید: مردی از عمال بنی امیه نزد من آمد؛ وضع زندگی اش را برایم تعریف کرد. او گفت: تمام دارایی خود را از مسیر حرام به دست آورده ام و اینک نمی دانم چکار کنم. گفتم در صورت تمایل با هم به مدینه می رویم و به محضر شریف امام صادق (ع) می رسیم. چاره کار شما را از ایشان می طلبیم. مرد قبول کرد. با هم به محضر امام شرفیاب شدیم. ماجرا را به ایشان عرضه داشتیم. حضرت به رفیقم فرمود: آلی به هر کیفیتی که راه نمایی کنم، می پذیری؟ اگر پذیری و به عهد خود وفا نمودی، من هم تعهد می کنم تا هنگام مرگ بر بالینت حاضر گردم.

رفیقم سر به جیب تفکر فرو برد و اندیشه بسیار نمود؛ سپس سر برداشت و گفت: هر چه فرمایی، می کنم.

او یک باره با قاطعیت تصمیم گرفت تا هر رهنمودی که امام داشته باشد، بدان عمل کند.

امام فرمود باید تمام اموالت را در راه خدا انفاق کنی، به جز اموالی که صاحبانش معلوم باشند، که باید آنها را به صاحبانشان رد نمایی.

علی گفت: با هم به کوفه برگشتیم. رفیقم با تمام مروّت و مردانگی تمام، املاک و اموالش را طبق دستور امام انفاق نمود و دستش از تمام مایملک تهی شد.

روزی برای احوال بررسی پیش او رفتیم. دیدم آهی ندارد که با ناله سودا کند. برگشتم و برایش طعامی بردم. آن مرد کم کم مریض شد؛ اما پیوسته به عبادت مشغول بود. تا این که روزی به حضورش رسیدم. دیدم آخرین لحظات عمرش را طی می کند. صدایش کردم و از احوالش پرسیدم. با کمال ناتوانی لب به سخن گشود و آهسته گفت: دوستت به عهدش وفا کرد.

دوستان را از ماجرا خبر کردم. همه آمدند و پس از تشریفات شرعی او را به خاک سپردیم.

سال بعد به مدینه رفتم و به محضر امام مشرف شدم. هنوز چیزی اظهار نکرده بودم که امام فرمودند: ای علی! من هم به عهد خود وفا کردم؛ یعنی به هنگام احتضار به بالینش رسیدم.

خطبه دوّم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون ولا يحصى نعمائه العادون ولا يؤدّي حقه المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم ولا يناله غوص الفطن ثم الصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين الذي سمى في السماء باحمد وفي الارضين بابي القاسم محمد اللهم صل على علي اميرالمؤمنين وعلى فاطمه سيدة النساء العالمين وعلى الحسن والحسين سیدی شباب اهل الجنة وعلى علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن علي وعلى بن محمد والحسن بن علي والحجة القائم المنتظر عجل الله تعالى فرجه وجعلنا من اعوانه وانصاره والمستشهدين بين يديه

اسغفرالله لي ولكم من جميع الذنوب والآثام واتوب اليه

یکی از توصیه های دین ما این است که خیرخواه همدیگر باش و دست همدیگر را بگیرد. در غمها و شادیها باهم باشید. چرا که دین مقدس اسلام تمام مسلمانان و مؤمنین را برادر هم قرار داده است. به این دلیل است که امام صادق (ع) می فرماید: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ نَفْسٍ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةٌ نَفْسَ اللَّهِ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، وَكُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

قَالَ: وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُؤْمِنٍ وَهُوَ مُعْسِرٌ، يَسَّرَ اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، [وَمَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ عَوْرَةَ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً مِنْ عَوْرَاتِهِ الَّتِي يُخَلِّفُهَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ].^٦

تبریک سال جدید

سال جدید را به محضر تک تک شما عزیزان و همشهریان و ملت ایران تبریک می گویم. امیدوارم با نظر رحمت الهی امسال برای شما و تمام مسلمانان سال پرخیر و برکتی باشد و آنچه مرضی الهی و سعادت دنیا و آخرت ماست رقم بخورد.
نامگذاری سال

مقام معظم رهبری امسال را سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال نامگذاری کردند. در توضیح علت نامگذاری هم در پیام نوروزی و هم در سخنرانی خود در مشهرالرضا (ع) توضیحاتی بیان داشتند. در پیام نوروزی نارضایتی خود را از وضع اقتصادی کشور اظهار نمودند و راهکارهای بکارگیری توان و تلاشهای اقتصادی را در قالب اقتصاد مقاومتی در سخنرانی خود تبیین نمودند نکته ای که باید به آن توجه کنیم این است که رفع مشکلات اقتصادی و یا اجرای اقتصاد مقاومتی نه مختص دولت یا قشر خاص است و نه یک قشر خاص و یا یک قوه خاص می تواند به تنهایی اقتصادی مقاومتی را عملی کند. بلکه باید همه ی مجموعه دولت و ملت، علم و صنعت، تولید و مصرف، واردات و صادرات طوری که در کنار آن قرار گیرند که نسبت به همدیگر هم افزایی کنند و خانه ای خالی را پر کنند.

اگر پدر خانواده نتواند برای امرار معاش خود در آمد کسب کند و نتواند بین درآمد و هزینه تناسب ایجاد کند، دیگر اعضای خانواده هرچقدر هم تلاش کنند نمی توانند اقتصاد خانواده را سامان دهند. و اگر برعکس پدر خانواده هرچقدر درآمد داشته باشد ولی زن خانواده، فرزندان خانواده متناسب با درآمد سرپرست خانواده هزینه نکنند آن خانواده شکست خواهد خورد گرچه دولت در مسائل اقتصادی دچار مشکل شد و برخی از مسائل مانند حقوق نجومی و اختلاسها صدمه بر اقتصاد کشور خصوصا بر باروهای مردم وارد کرد ولی این بی انصافی است که تمام مشکل را از دولت بد انیم و از دیگر قوا و خود مردم سلب مسئولیت کنیم.

نقدهای با رنگ و بوی سیاسی، و به قصد تخریب و ناامید کننده و انتقاد به قصد انتقام نه تنها مشکل اقتصادی را رفع نمی کند بلکه نوعی خیانت به نظام است.

مقام معظم رهبری در اجرای اقتصاد مقاومتی وظیفه همگان را تشریح کردند و فرمودند دولت چه مسئولیتی دارد. مجلس چه مسئولیتی دارند و قوه قضائیه چه مسئولیتی دارند و خود مردم چه باید بکنند.

هنر این است که هر کس طبق فرمان حضرت ایشان کار خود را انجام دهند و ابتداء کار خود را برای مردم گزارش دهند و اگر سایر قوا و سایر مجموعه ها همراهی نکردند به طور مستند و واقعی و خیرخواهانه برای مردم توضیح دهند که چه کسی و کدام قوه ای کارش را درست انجام نداد. ما عادت کرده ایم همواره را خودمان را بی عیب و نقص و دیگران را همواره دارای عیب و نقص بدانیم. این نگاه هیچ وقت نمی تواند منصفانه باشد.

در اینجا یک نکته را یادآوری می کنم و آن این است که در هر بخشی بدون تملق و ریا با اخلاص و تلاش واقعی سراغ اجرای منویات رهبری رفته اند الان در کشور در همان بخش موفقیت داریم و هر جا تصنی و ریاکارانه برخورد کردند و فقط شعار دادند، موفقیت بدست نیاورده ایم.

^٦. مومن کیست؟ وظیفه اش چیست؟ / ترجمه المؤمن؛ ص ٩٦

اگر در تسلیحت نظامی، امنیت، مقاومت و مانند آنها سرآمد منطقه ایم به دلیل اطاعت بی چون و چرا از رهبری است که متولیان آن مجموعه انجام داده اند. ولی اگر در فرهنگ، اقتصاد، سیاست عقب ماندگی داریم به این دلیل است که متولیان این بخش انقلابی، ولایی، جدی با اعتقاد و ایمان راسخ کار را دنبال نکرده اند و نهایت چیزی که انجام داده اند یک مقدار به خود حرکت دادند بعد نشستند شعار دادند.

اگر بخواهیم این نقص را جبران کنیم باید کار را به افرادی بسپاریم که واقعا انقلابی، ولایی بی چون و چرا، درد کشیده، مردمی، پرتلاش و پرتحرک هستند و زندگی آنها از تجملات و اشرافی گری به دور است.

مسأله دیگری که مربوط به خود مردم است این است که مردم یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. نمی شود همه چیز را از دولت و مجلس بخواهیم ولی مردم بی تفاوت باشند. اشتغال و تولید وقتی رونق می گیرد که مردم مصارف خود را از تولید داخل تأمین کنند. خریدن کالای خارجی یعنی ایجاد اشتغال برای افراد خارجی و بیکار گذاشتن فرزندان خودمان. مقام معظم رهبری فرمودند واردات کالاهای که در داخل قابل تأمین است حرام بدانیم. مردم نباید با وجود کالای مشابه داخلی، کالای خارجی نخرند. البته تقلید کنندگان ما نیز باید اعتماد مردم را جلب کنند. این بسیار ناپسند است که تولید کنندگان ما بخواهد با کم کاری در تولید و استفاده مواد اولیه نامرغوب در چند ماه میلیدر بشود معلوم است که مردم برای خرید کالای داخلی رغب نمی کنند که در این صورت کارخانه تعطیل می شود و سرمایه گذار ورشکسته می شود و هم مردم بیکار می مانند.

دولت که به سرمایه گذارها وام می دهد باید نظارت کافی بر تولید داشته باشد و کسانی که از نام کارخانه برای غارت بیت المال و مردم سوء استفاده می کند برخورد کند. برخی از سرمایه گذارها از دولت وام می گیرند و تعدادی کارگر نیز بکار می گیرند از یک طرف حق کارگران را نمی دهند و از طرف دیگر با به نیمه تعطیل درآوردن کارخانه و یا اخراج چند تا کارگر برای دریافت مجدد وام دولت را تحت فشار قرار می دهند.

این نوع سرمایه گذارها باید بدانند این که دولت پول مردم و کشور را کرور کرور در اختیار آنها می گذارد و منت سرمایه گذارها را می کشد برای این است که برای مردم اشتغال درست شود. ولی اگر کارخانه مردم را به برداری تبدیل کرد این حسنی ندارد و باید دولت با این گونه افراد برخورد کند.